



اهمیت تعقل در اسلام

دکتر باقرپور کاشانی



{إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ}؛ «انفال / ۲۲-۲۳».

می‌گوید قطعاً؛ {الدَّوَابِّ} یعنی جنیده؛ {شَرَّ} یعنی بدترین جنبنده‌ها؛ {عِنْدَ اللَّهِ} نزد خدا چه هستند؟ {الصُّمُّ الْبُكْمُ} این‌ها کران و لالانند. ممکن است یک نفر بگوید اگر کر و لال هست خدایا خودت کرش کردی! خودت لالش کردی!

این عبارت {لَا يَعْقِلُونَ} نشان می‌دهد که کر و لال ظاهری نیست! مثل این می‌ماند که شما مثلاً فرض کنید یک نقاشی بکشید، بگویید این بدترین نقاشی هست! اما خودت کشیدی اگر بدتر هم هست! در این‌جا هم او اختیاری از خودش نبوده خلقت مال خداست!

این‌جا چه چیزی می‌خواهد بگوید؟

{لَا يَعْقِلُونَ} یعنی وقتی از عقلت استفاده نکنی، حق را می‌شنوی، اما تعقل نکنی، مثل این می‌ماند کری! حق رو می‌شنوی، وقتی از عقلت استفاده نکنی دنبال شهواتت بخواهی حرکت کنی، لالی! حق نمی‌گویی!

نکته‌ی دوم، اینکه چقدر اسلام به تعقل اهمیت داده که آگه چنانچه شما {يَعْقِلُونَ} باشی چنین جایگاهی داری!



اگر ﴿لَا يَعْقلُونَ﴾ باشی، تو ﴿شَرَّ الدَّوَابِّ﴾ هستی! بدترین جنبدگانی! یعنی عقل این جا محوریت دارد!

یعنی اگر تابع عقلت باشی، خیر الدوابی! اگر عقلت را کنار بگذاری، از عقلت استفاده نکنی شرالدوابی! بدترین جنبدگانی! عقل خیلی در دین مهم است! لذا در روایت هست فرمودند که: «کسی که عقل ندارد، دین ندارد».

یعنی چه؟ نه اینکه عقل ندارد یعنی عقب افتاده‌ی ذهنی باشد! نه! یعنی یک نفری باشد که از عقلش استفاده نکند! ولی تو عقل داشته باشی، از عقلت استفاده نکنی، تو شر الدواب هستی!

لذا وقتی یک نفر از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند:

«مَا الْعَقْلُ؟» آقا عقل چیست؟ در اصول کافی آمده که می‌فرمایند:

«مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ، وَ اِكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ».

عقل چیزی هست که خدا به آن عبادت می‌شود، بهشت هم به آن کسب می‌شود.

یعنی اگه می‌خواهی در جهت عبادت قرار بگیری، عقل محوریت دارد! اگر می‌خواهی بهشت را کسب کنی، عقلت را وسط بیاور!



این فرقه‌ها و این عرفان‌ها و این صوفی‌گری‌ها و این مسائلی که اگر چنانچه به شما می‌گویند به این‌جا برسد آقا عقل را کنار بگذار! عقل به عنوان یک شحنه‌ای می‌باشد که مانع عشق هست! عشق و عقل را وسط می‌آورد، عقل را می‌کوبد! عقل و کشف را وسط می‌آورد، عقل را می‌کوبد! در همه چیز عقل را می‌کوبد! این‌ها در صراط دین نیستند! در صراط اسلام نیستند!

اسلام به آن چیزی که اهمیت می‌دهد، اصل تعقل و تفکر هست! حتی قرآن هم می‌گوید:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾

آیا تدبر نمی‌کنید؟ فکر نمی‌کنید؟ تعقل نمی‌کنید؟

چقدر ماده‌ی عقل در قرآن به کار رفته شده؟!!

پس اگه بنا باشد که عشق باشد عقل را له کنی! کشف باشد عقل را له

کنی! این‌ها حرف‌های نادرستی هست!

میزان، عقل هست! با این عقل هم ما به وحی می‌رسیم! ولی عقل را چه

کسی گفته کنار بگذاریم؟!!



{وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ}؛
«اگر خدا خیری در آن می‌دانست، یقیناً ایشان را شنوا می‌کرد و اگر آنان را
شنوا کند باز اعراض‌کنندگان روی می‌گردانند».

یعنی ولو اینکه به آن‌ها هم بفهمانی، باز هم نمی‌خواهند قبول کنند! چرا؟
چون عقل کنار رفته!

عقل را زیر پای شهوت، عقل را زیر پای تمایلات دیگر، عقل را زیر پای
تعصب، عقل را زیر پای تقلید کورکورانه، عقل را زیر پای حب دنیا قرار
دادند! لذا وضعیتش اینگونه هست!
این‌ها {الصُّمُّ الْبُكْمُ} هستند!

تمام

